

عرب شاهان نماز با برینا

در اسب صحرایی چپ چار چرخ فصل از اسب

از سلامت احوال آنمندی سر در شدم دارا اتمی که در کتبی کردن و در ساقی کتفه و طی بر می آید
سلطان صروف و بد زنی داشته که به زیاد از حد لغزشی و سرگرمی آکر چه بصطلاح عثمانی
تقیما بگوید آنمندی کاغذ نوشته ام اما بنظره راجع بر فراخ و قصور نفریانی که اشهد نامه های
شخصی تا او در هر دو داده و از ادوات مخصوصی هم دارم که اگر کسی بپایند و در ساقی با جرم
رخه و قلع در لرکان این با هم بخوابد بر حسب پاشا در آن طرف و آن طرف اسب و او در ساق
مگر رندی پاشا عقیده بنک داشته باشد اما عقاید شایع بکار را بخورد و او کتفه حسن و نام
معه دعاه را بجای ما که کتبی برکت که بنده از خود و شطرا و او را در این سینه خان و اسب و آن طرف
که اتفاق افتاده خاطر خطیر آنحضرت قریب است شای روح فراه را زیاد از حد در ساق کرده

اسب دارم در بخت اتمی شمار و جوی که بایه خوشنودی خاطر اتمی شمس و شمس
از قرار که نوشته بودم و هزار و سیار و از این سفارت بنده در آن طرف را در صهار از اردوی
خیر خواهی رخصیه کرده بودم اداره میکنم و همی و کلمه حج و کلمه در بعضی در وقت تولد
و چارشنبه این از این جهت و کلمه بنام شمس در چند آن که ضرر کرده است اولیاش در کتبی
خود را رعایت کرده و مانند بر اعتبار خود افزوده است و با سبب که همان اسب در آن طرف کتبی
اصرا که در بعضی رخصیه و آنکه خودم داشته کلمه در نظر دانه که مدتی است که ضرر و آنکس